

# شیوه‌های ترویج قرآن کریم در سیره نبوی

محسن رجبی

بنیاد پژوهش‌های اسلامی - گروه دایرةالمعارف

## مقدمه

نگاهی به روشها و شیوه‌های متداول آموزش قرآن و راهکارهای اجرایی و پیشنهادی در جهت ترویج آن نشان می‌دهد که اصول و مبانی آموزش و ترویج قرآن از دیدگاه قرآن مجید و آموزه‌های سیره و سنت نبوی به عنوان اسوه حسنه، مبنای برنامه‌ریزی و راه‌اندازی این امر مهم توسط مسئولان فرهنگی نبوده و نیست. از این رو، بسیاری از آیات و روایات که ناظر و مبین این مسئله و جوانب مختلف آن هستند، تحلیل نشده رها شده‌اند؛ یا گاه برداشت‌های ناقص و نادرست از آنها مبنای عمل قرار گرفته است؛ در

نتیجه در بسیاری از مواقع با اخلاص و کوشش‌های فراوان در صدد ترویج و گسترش قرآن برآمده‌ایم، اما غافل از اینکه روشها و شیوه‌هایی که در پی گرفته‌ایم به علت غیر مستند بودن به کتاب و سنت و عقل و اجماع خود به یکی از موانع مهم توسعه و ترویج قرآن تبدیل گشته و بر مهجوریت قرآن نزد ما انسانها، بیش از پیش افزوده است.

این در حالی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نظام آموزش و ترویج قرآن، روشها و شیوه‌هایی را به کار می‌برند که در همه زوایای خود، کاملاً عمومی و فراگیر هستند، به طوری که در همه زمانها و مکانها و برای همه انسانها با هر زبان، خط و نژاد و برای گروههای سنی مختلف و برای با سواد و بی‌سواد، یکسان است و به کتاب درسی و جزوه آموزشی بیرون از قرآن مشروط نیست و دارای مقبولیت علمی، و مرحله‌بندی و مقاطع مشخص آموزشی با رهاوردهای تعریف شده می‌باشد<sup>۱</sup>.

## ۱- ترغیب به قرآن به جای تحمیل آن

با توجه به اصولی همچون ﴿كُنْتُ عَلَيْهِمْ بِمُصِيطِرٍ﴾<sup>۲</sup> و ﴿... وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ...﴾<sup>۳</sup> و

۱ - بنگرید به: محمد علی لسانی فشارکی و دیگران،

طرح پژوهشی آموزش زبان قرآن، ص ۶۰۰-۶۰۱.

۲ - غاشیه / ۲۲. ۳ - ق / ۴۵.

﴿... وَ مَا آتَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ﴾<sup>۱</sup> و بررسی سراسر سیره رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درمی یابیم که آن حضرت هرگز قرآن را بر کسی تحمیل و اجبار نمی کرد، بلکه همواره با ابلاغ مبین قرآن، زمینه آشنایی مردم با آن را فراهم می آورد، تا کسانی که خواهان یادگیری قرآن هستند، بتوانند آن را فرا بگیرند؛ چرا که اصولاً هر نظام آموزشی - تربیتی که شالوده اش بر اجبار و تحمیل بنا شده باشد، دیر یا زود به شکست می انجامد.

از این رو، در نظام آموزشی قرآن در سیره نبوی که بر پایه «اقرء» استوار است، در وهله اول، این مُسْتَقْرَى (متعلم) است که برای یادگیری قرآن، از مُقَرَى (معلم) طلب اقرء می کند.

## ۲- بهره گیری از روش شنیداری - گفتاری (اقرء)

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جهت آموزش و ترویج قرآن، آیات نازل شده را اقرء می فرمود. اقرء آیات، سه مرحله اساسی اِسْمَاع، اِسْتِمَاع و اِتِّبَاع را دربر دارد.<sup>۲</sup> معلم، آیات را بر متعلم، با تائنی و کلمه به کلمه به صورتی روشن و با صدایی گویا و رسا قرائت می کند (اِسْمَاع)؛ و متعلم پس از اِنصَات یعنی سکوت همراه با توجه و گوش فرا دادن (اِسْتِمَاع) به هر فراز قرآنی، آن را تکرار می کند (اِتِّبَاع)؛ و این جریان آیات از زبان معلم به سوی گوش متعلم و جریان دوباره همان آیات بر زبان متعلم و بازگشت آنها به سوی گوش معلم تا آنجا ادامه می یابد که آیات مورد نظر از قلب و

زبان معلم به قلب و زبان متعلم منتقل می شوند؛ و متعلم نیز عیناً مانند معلم، حامل و معلم همان آیات کریمه می شود.

توجه به نکات زیر در مورد کارایی قوه سامعه، می تواند اهمیت روش شنیداری - گفتاری را بیشتر نمایان سازد:

اولاً حس شنوایی به طور مستقیم و بدون هیچ فاصله ای پس از تولد به کار می افتد؛ زیرا نوزاد به محض تولد - و حتی قبل از آن در دوران جنینی - می تواند صداها را بشنود.

ثانیاً حس شنوایی (گوش) همیشه و همه جا، چه در روشنائی و چه در تاریکی وظیفه خود را بدون وقفه انجام می دهد.

ثالثاً اگر شنوایی از دست برود، فراگیری زبان - به عنوان مهم ترین ابزار برقراری ارتباط و تبادل افکار و تجربیات - امری دشوار و تقریباً ناممکن خواهد بود؛ اما در صورت از دست دادن قوه بینایی، فراگیری زبان و تحصیل علوم، امکان پذیر است<sup>۳</sup>؛ چنان که در میان صحابه، افراد نابینایی بودند که به برکت اجرای این روش موفق به فرا گرفتن قرآن شدند و حتی در زمره

۱- ص / ۸۶

۲- چنان که خداوند روش آموزش قرآن به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را این گونه بیان می کند: ﴿سَنُفِّرَنَّكَ فَلَا تُنْسَى﴾ (اعلی / ۶)؛ ﴿فَإِذَا قَرَأْتَ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ﴾ (قیامة / ۱۹).

۳- ابوالفضل خوش منش، تحقیقی در ابعاد مسأله حمل قرآن کریم، ۱۳۷۸ ش.

معلمان و مقریان بزرگ قرآن درآمدند. عبدالله بن امّ مکتوم یکی از آن افراد بود که همراه مُصعب بن عمیر، نقش بزرگی در آموزش و ترویج قرآن در یثرب (مدینه)، قبل از ورود پیامبر اکرم ﷺ به آن شهر داشت.<sup>۱</sup>

مطابق بیان آیات و روایات، جایگاه شایسته و بایسته قرآن، «قلب» انسان است: ﴿وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ \* نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ \* عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ﴾<sup>۲</sup>.

حضرت رضی اللہ عنہما قلب را مالک و فرمانده بدن، و گوش را دروازه قلب و حافظ و نگهبان آن می خواند.<sup>۳</sup>

پیامبر اکرم ﷺ نیز می فرماید:

«اقْرؤوا القرآن و استظھروه، فان الله تعالى لا يعذب قلباً و عى القرآن»<sup>۴</sup>.

بر اقرء و قرائت قرآن مداومت داشته باشید و آن را استظهار کنید (از روی قلب خویش بخوانید)؛ زیرا خداوند قلبی که قرآن را با آگاهی به درون خود راه داده و آن را حفظ و فهم کرده و به آن عنایت داشته باشد، عذاب نمی کند.

«ان الذی لیس فی جوفه شیء من القرآن کالبیت الحرب»<sup>۵</sup>.

فردی که همه شرایط آشنایی و فراگیری درست آیاتی از قرآن برای او فراهم بوده، ولی چیزی از آن را فرا نگرفته و آن را در درون (قلب) خود جای نداده باشد، ارزش او همانند ارزش خانه‌ای است که ویران یا غارت شده است.

«طوبی لمن یبعث یوم القیامة و جوفه

محشواً بالقرآن...»<sup>۶</sup>.

خوشا به حال کسی که در روز قیامت، با قلبی آکنده از قرآن محشور می شود.

همچنین رسول اکرم ﷺ دوست می دارد: «سورة مُلک در قلب هر مؤمنی جای بگیرد: ﴿وَدِدْتُ أَنْ ﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ﴾ فِي قَلْبِ كُلِّ مُؤْمِنٍ﴾»<sup>۷</sup>.

همه این روایات حکایت از جایگاه مهم و الوالی قلب در ارتباط با قرآن کریم دارند.

از سوی دیگر، قرآن پدیده‌ای از سنخ «کلام و زبان» است که خود را نازل شده به «لسان عربی مبین»<sup>۸</sup> اعلام می کند. بنابراین، بر پایه تعلیم پیامبر اکرم ﷺ قرآن شناسی و روش آموزش آن، هدف از آموزش قرآن، در حقیقت آموزش یک زبان است که با توجه به اینکه زبان، اولاً و اصالتاً دارای ماهیتی شفاهی است<sup>۹</sup>، روشها و شیوه‌های

۱- المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۶۲۶.

۲- شعراء / ۱۹۲ - ۱۹۴؛ و نیز بنگرید به اعراف / ۱۰۰؛ لقمان / ۷۵؛ فصلت / ۳-۵؛ و...

۳- بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۳۰۹.

۴- وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۲۵؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۵۱۲، ح ۲۲۷۱.

۵- کنز العمال، ج ۱، ص ۵۱۲، ح ۲۲۷۶.

۶- همان، ج ۱، ص ۵۱۵، ح ۲۲۹۸.

۷- مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۰۶.

۸- شعراء / ۱۹۵؛ نحل / ۱۰۳.

۹- وان پاسل و دی گریو، «جایگاه زبان گفتاری و زبان

←

آموزش آن باید به گونه‌ای طراحی شوند که با شفاهی بودن این پدیده تناسب داشته باشند. اگر هدف از آموزش، تسلط بر زبان باشد به گونه‌ای که دیگر آن زبان، زبان بیگانه محسوب نشود، روش مطلوب فراگیری، روش سمعی می‌باشد. از اصول مهم این روش، مقدم بودن تدریس صورت شفاهی زبان قبل از صورت نوشتاری (روخوانی) است<sup>۱</sup>؛ یعنی نوشتن و روخوانی را باید آن قدر به تأخیر انداخت که زبان آموز در زبان گفتاری تبحر قابل ملاحظه‌ای کسب کرده باشد. آن‌گاه تصویر نوشتاری و قابل رؤیت از زبان گفتاری را به زبان آموز عرضه کرد<sup>۲</sup>، تا بدین ترتیب مسیر زبان آموزی او تسهیل گردد.

در تعالیم معصومین علیهم‌السلام نیز فضیلت قرائت قرآن از روی مصحف، بعد از توانایی قرآن آموز بر قرائت قرآن از روی قلب مطرح می‌شود نه قبل از آن:

«فضل قراءة القرآن نظراً على من يقرأه ظاهراً  
كفضل الفريضة على النافلة»<sup>۳</sup>.

امام صادق علیه‌السلام نیز در جواب کسی که می‌گوید می‌توانم از بر قرآن بخوانم، آیا از مصحف استفاده کنم یا خیر؟ می‌فرماید: قرآن را بخوان و به مصحف هم نگاه کن، آیا نمی‌دانی نگاه به مصحف و از روی آن خواندن، عبادت است<sup>۴</sup>.

### ۳- آسان‌سازی آموزش

الف - قرائت ساده و آسان: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و

معلمان قرآن، آیات را به گونه‌ای آسان، روان و بی‌پیرایه، اقرآء و قرائت می‌کردند که قرآن آموزان درمی‌یافتند همان گونه که به راحتی می‌توانند به زبان مادری خویش حرف بزنند، می‌توانند قرآن را به آسانی استماع و تکرار کنند.

ساده و آسان خوانی قرآن، تیسیری بود از سوی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که راه ترویج قرائت قرآن را بر روی همگان گشود و مانع از آن شد که قرائت قرآن در مسیر و فضایی معرفی و آموزش داده شود که به عنوان فن و هنری خاص تلقی شود که فقط عده‌ای خاص از انسانها که خصوصیات ویژه‌ای از لحاظ حنجره، صدا، لهجه و زبان دارند قادر بر آن باشند و صنفی خاص به نام قاریان قرآن به وجود آید و دیگران از قرائت قرآن محروم باشند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به گونه‌ای عمل کرد که آموختن قرآن و قرائت آن، هويت هر فرد مسلمان را تعريف می‌کرد. بر همین اساس، بر ساده و آسان خوانی و در عین حال، روان و واضح خواندن قرآن در مقام آموزش آن و

→ نوشتاری در آموزش زبان»، ترجمه ابوالحسن سروقده مقدم، روشهای آموزش زبان و مسائل زبان‌شناسی (نه مقاله)، ص ۱۷۹.

۱- همان، ص ۲۰۲.

۲- دیوید دوکمپ، «زبان‌شناسی و آموزش زبانهای بیگانه»، ترجمه حسین مریدی، قلمرو زبان فارسی و آموزش زبانهای بیگانه (هفت مقاله)، ص ۷۴-۷۵.

۳- کنز العمال، ج ۱، ص ۵۱۶، ح ۲۳۰۲.

۴- الکافی، ج ۲، ص ۶۱۳.

مواضعی که قرائت قرآن حالت ابلاغ و ترویج همگانی داشت، مانند نماز جماعت تأکید می‌فرمود تا همگان به آسانی بتوانند فراگرفته‌های خویش را تثبیت کنند. البته در مقام قرائت شخصی، که تالی فاسد نداشت، قرائت آن به صورت ترجیح و مانند آن، اشکال و محذوری نداشت.

از این رو، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از قرائت اذان به صورت تطریب و ترجیح و مانند آن نهی می‌کرد؛ چرا که اذان، حالت اعلان، ابلاغ، آموزش و ترویج همگانی داشت:

«عن ابن عباس، قال: كان لرسول الله صلی الله علیه و آله مؤذّن يطرب، فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: إن الأذان سهل سمح، فإذا كان أذناك سمحاً سهلاً [فأذن] و إلا فلا تؤذن»<sup>۱</sup>.

همچنین سعید بن مسیب شنید که عمر بن عبدالعزیز در نماز جماعت، قرآن را با ترجیح و تطریب می‌خواند، به وی پیغام داد:

«خدا تو را به راه صلاح و درست آورد، ائمه جماعات [به پیروی از سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله] این‌گونه قرآن [نمی‌خوانده و] نمی‌خوانند»<sup>۲</sup>.

ابن قتیبه (م ۲۷۶ق) با اشاره به نحوه قرائت حمزه بن زيات كوفی از قراء هفت‌گانه می‌گوید: «او در مد، همزه و اشباع، راه افراط پیموده و در اضجاع و ادغام از حد درگذشته، متعلمان (قرآن‌آموزان) را بر مرکبی سخت حمل نموده و آنچه را که خداوند آسان گرفته، او بر امت مسلمان دشوار ساخته است. و مردم چون دیدند

که در هنگام قرائت فکهای خود را به این طرف و آن طرف می‌برد، و رگهای صورتش برجسته می‌شود، پنداشتند که این فضیلت مهارت و استادی اوست؛ اما نه قرائت رسول خدا صلی الله علیه و آله این‌گونه بود و نه قرائت نیکان سلف و نه قرائت تابعین و نه قرائت قاریان دانشمند، بلکه قرائت آنان بسیار رسا و آسان بود»<sup>۳</sup>.

**ب - تحسین هرگونه قرائت:** پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با آن شناخت جامع و کاملی که از ماهیت و اهداف نزول قرآن و گوناگونی مخاطبان آن به خصوص از دو جنبه زبان و روان داشت، در هنگام تعلیم قرآن، هر طور که آیات قرآن بر زبان افراد جاری می‌شد، آن را تحسین و تجویز می‌فرمود؛ و اشتباهات قرآن‌آموزان را به صورت مستقیم و رودررو، به ویژه در حضور دیگران، تصحیح نمی‌کرد؛ اصولاً هیچ‌گونه قرآن‌خواندنی را «غلط» محسوب نمی‌کرد، بلکه هر کس، هر طور که می‌خواند، چون به هر حال قرآن می‌خواند، تحسین و تشویق می‌شد. به دیگر بیان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسیر آموزش و فرایند یادگیری یکایک قرآن‌آموزان را متناسب و مطابق با وضعیت و توانایی هر یک از آنان آسان می‌نمود، تا هیچ قرآن‌آموزی احساس نکند که نسبت به میزان توانایی و مشکلاتش در روند یادگیری،

۱ - قرطبی، التذکار فی افضل الاذکار، ص ۱۲۰-۱۲۳.

۲ - همان، ص ۱۲۱.

۳ - تأویل مشکل القرآن، ص ۶۰.

بی توجّهی می‌شود و در نهایت نتیجه بگیرد که بهتر است قرآن نخواند و آن را رها کند؛ چنان که وقتی بلال حبشی به علت عدم توانایی بر تلفظ حرف «شین»، مورد انتقاد برخی از ظاهرگرایان قرار گرفته بود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«انّ سین بلالٍ عندالله الشین»<sup>۱</sup>؛ نزد خداوند، سین بلال همان شین است و هیچ فرقی نمی‌کند. از این رو، به معلّمان (مُقریان) قرآن نیز همواره سفارش می‌نمود که در آموزش قرآن به مسئله مهم آسان‌سازی و آسان‌گیری توجّهی جدّی داشته باشند و بر مبنای آن عمل نمایند: «عَلِّمُوا و یَسِّرُوا و لا تَعَسِّرُوا و بَشِّرُوا و لا تَنْفِرُوا»<sup>۲</sup>.

آسان‌گیری سبب می‌شود که مردم، قرآن را به مثابه پیامی فرخنده و خجسته دریافت کنند و همین بشارت، آنان را به سمت فراگیری بیشتر قرآن و قرائت آن تشویق می‌کند، در حالی که سختگیری و ایجاد دشواری، موجب نفرت و دوری مردم از عرصه آموزش و ترویج قرآن می‌گردد.

تحسین هرگونه قرائتی را می‌توان از جمله کلیدی‌ترین عناصری دانست که در کنار اسوه بودن قرائت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اقراء و قرائت پیوسته ایشان در منظر صحابه (قرآن‌آموزان)، به صورت جدّی و مؤثّر مسئله تصحیح را در امر قرائت قرآن راهبری می‌کرد؛ یعنی اگر قرآن‌آموزی، آیات قرآن را کامل و درست فرا نگرفته بود و یا آن را اشتباه قرائت می‌کرد،

هنگامی که اقراء و قرائت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سایر قرآن‌آموزان را که همواره در حال افزایش بودند، در دیگر صحنه‌ها مانند نماز، عرضه قرائت و مانند آن می‌دید و می‌شنید، به اشتباه خود پی می‌برد و خودش آن را اصلاح می‌کرد.

گویی مسئله درست مانند فرایند زبان‌آموزی کودک است. کودک پس از تولد واژه‌ها و جمله‌های مختلف را می‌شنود و سعی می‌کند آنها را ادا و تلفظ کند، ولی تا مدتی به اشتباه می‌افتد و آنها را غلط، درهم و آمیخته و یا با حذف قسمتی از آن ادا می‌کند. والدین آگاه بی‌آن‌که کوچک‌ترین نگرانی و دغدغه‌ای داشته باشند، هرگونه تکلم کودکانه او را عین پیشرفت به سوی زبان‌آموزی می‌دانند.

زبان‌شناسان و روان‌شناسان بر این باورند که غالباً درک شنیداری کودک درست عمل می‌کند، ولی بر نحوه تلفظ درست آن هنوز قدرت کافی را ندارد. بنابراین، اشکال گرفتن از نحوه تلفظ او باعث رنجش و ناراحتی و حتی لکنت زبان و گوشه‌گیری او می‌شود؛ از سوی دیگر، اگر والدین و بزرگ‌ترها، تلفظ به ظاهر اشتباه او را تقلید کنند و با همان تلفظ اشتباهش با او تکلم کنند، کودک در مقابل این تقلید نیز حالت آزرده‌گی نشان

۱- مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۷۸.

۲- کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۴۹، ح ۲۹۳۳۰؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۳۵۹.

می‌دهد.<sup>۱</sup>

نزول قرآن می‌دانست و آنها را تحسین و تأیید می‌نمود و از همه می‌خواست که از هرگونه جدال و کشمکش بر سر قرائت قرآن بپرهیزند، و قرائت یکدیگر را تخطئه نکنند و آن را نادرست نشمرند<sup>۳</sup>؛ زیرا «انّ ملكاً موکلاً بالقرآن، فمن قرأه من أعجمیّ أو عربیّ فلم یقومه قومہ المملک ثم رفعه قواماً»<sup>۴</sup>.

همانا ملکی بر قرآن موکّل است، که اگر هر کسی از عرب یا غیر عرب آن را [به هر دلیلی] درست و مرتّب آنچنان که هست، نخواند، آن ملک قرائت آن شخص را تصحیح و مرتّب کرده، سپس نزد خداوند بالا می‌برد» و تأکید می‌کند که

با ادامه نزول و افزایش تعداد آیات و سوره‌ها و وجود شرایطی آسان، طبیعی و آرام برای یادگیری، قرائت قرآن هر چه بیشتر گسترش و عمومیت می‌یافت. در این میان، برخی از قرآن‌آموزان، ناخودآگاه، قرآن را به وجوه و ترتیبهای مختلف می‌خواندند که با اعتراض و ممانعت برخی دیگر روبه‌رو می‌شوند؛ و آن‌گاه که بازخواست می‌شدند که چه کسی این قرائت را به شما آموخته است، بی‌درنگ، هر یک، قرائت خود را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله منسوب می‌کرد؛ یعنی اینکه من در حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرآن را این‌گونه خواندم و فرا گرفتم، و ایشان هیچ اشکال و ایرادی نگرفت، در حالی که آن معلّم و مقری قرآن و دیگر مسلمانان به خوبی می‌دانستند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرآن را آن‌گونه که او می‌خواند، به وی آموزش نداده است؛ در نتیجه، به سبب اهمّامی که در حفظ و صیانت کلام الله از هرگونه خطر تحریف و تغییری در آن داشتند، بر سر قرائت درست آیات و ترتیب آنها، با یکدیگر به مشاجره و نزاع می‌پرداختند و آن‌گاه که حکمیت نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌بردند، آن حضرت از آنان می‌خواست که دوباره آن قسمت از آیات را که در نحوه قرائت آن با یکدیگر اختلاف دارند، قرائت کنند. با پایان یافتن قرائت هر یک از طرفین اختلاف، آن حضرت قرائت همه آنان را بر پایه اصل «نزل القرآن علی سبعة أحرف»<sup>۲</sup>، جایز و روا و در راستای تحقق اهداف

۱ - بنگرید به: لاری ام. هایمن، نظام آوایی زبان: نظریه و

تحلیل، ترجمه یدالله ثمره، ص ۴۹.

۲ - بنگرید به: طبری، جامع البیان، ج ۱، ص ۱۶-۲۴.

۳ - زبان‌شناسان نیز بر این باورند که تمام تصورات ما در مورد «صحیح و غلط» بودن زبان، نه تنها نادرست و بیهوده است، بلکه به طور قطع مضر است و چه خوب است ما از قید آنها رهایی یابیم. در مورد زبان، «صحیح و غلط» هیچ معنی ندارد، مگر آن‌که در ارتباط با موقعیتهایی که کاربرد زبان را ایجاد می‌کند، بررسی شود و همه گونه‌های گفتار، دارای ارزشی مساوی هستند و ارزیابی و قضاوت خوب و بد در تجزیه و تحلیل علمی زبان اصلاً وارد نمی‌شود. (بنگرید به: رابرت. آ. هال، زبان‌شناسی، ترجمه محمد رضا باطنی، ص ۳۰-۳۱).

۴ - کنز العمال، ج ۱، ص ۵۱۳، ح ۲۲۸۲ و ۲۲۸۳؛ ص ۵۳۳، ح ۲۳۸۸.

«اگر قاری در هنگام قرائت قرآن دچار خطا و اشتباه شد، یا قاری فردی اجمعی باشد [و به خاطر اختلاف لهجه و زبان نتواند اجزای کلام را درست ادا کند] فرشته الهی آن را همان طور که از جانب خداوند نازل شده است [تصحیح کرده و] می نویسد»<sup>۱</sup>.

بنابراین، تصحیح قرائت قرآن بر عهده خداوند است و مأموران آن هم ملائکه اند نه غیر ایشان! پس، معلّمان و قرآن آموزان به جای اشکال گیری از قرائت یکدیگر و تصحیح آن، توان خود را در راه استمرار و تداوم قرائت به هر گونه ای که برای آنان میسر است به کار گیرند.<sup>۲</sup>

ابی بن کعب می گوید: رسول خدا ﷺ سوره ای را بر من اقرار فرمود، سپس هنگامی که در مسجد نشسته بودم، شنیدم فردی همان سوره را به نحوی قرائت می کند که با قرائت من اختلاف دارد! به او گفتم: چه کسی این سوره را به تو تعلیم داده است؟

گفت: رسول خدا ﷺ!

گفتم: نمی گذارم از من جدا شوی تا رسول خدا ﷺ وارد شود. او را نزد آن حضرت آوردم. گفتم: ای رسول خدا ﷺ این فرد، همان سوره ای را که پیش از این به من تعلیم فرمودید، طوری قرائت می کند که با نحوه خواندن من از همان سوره تفاوت دارد!

رسول خدا ﷺ فرمود: اَبی بخوان، من سوره را خواندم. رسول خدا ﷺ فرمود: احسنت! سپس به فرد دیگر گفتم: حال، شما بخوان. او

سوره را به همان گونه که مخالف قرائت من [ابی] بود، خواند. رسول خدا ﷺ به او نیز فرمود: احسنت! سپس فرمود: اَبی! همانا خداوند قرآن را بر اساس هفت حرف نازل کرده است [پس قرآن هر طور که خوانده شود]، شفاعت و پسندیده است.<sup>۳</sup>

از این رو، پیامبر اکرم ﷺ هرگاه مشاهده می نمود و یا خبری می رسید که هنوز برخی از افراد، به این تعلیم و اصول توجهی نمی کنند و بر سر قرائتِ درست قرآن به مجادله و اختلاف دامن می زنند و با سختگیری، مانع قرائت دیگران می شوند، ناراحت و نگران می شد و ناخرسندی خود را ابراز داشته، آن را موجب عدم ترویج

۱- همان، ج ۱، ص ۵۱۳، ح ۲۲۸۴.

۲- بنابر یک تحقیق میدانی گسترده، می توان علت عدم قرائت قرآن بعضی از افراد در جلسات قرآن و فرار و وازدگی بسیاری دیگر را از کلاسهای آموزش قرآن، همین ترس از اشتباه خوانی و تصحیحهای سختگیرانه معلّمان قرآن، به ویژه در حضور دیگران دانست.

۳- نسائی، سنن، ج ۲، ص ۱۵۳؛ گر چه تاکنون در ردّ و قبول روایات احرف سبعة و مراد از آنها، اختلاف نظرهای عمیقی میان پژوهشگران وجود داشته و دارد، ولی اگر زمینه ها و شرایط صدور این روایات از نو بازایی و تحلیل شود، می تواند بسیاری از سوء برداشتها را تصحیح کند و جایگاه مهم خود را در مسائل همچون زبان قرآن و آموزش و ترویج آن باز یابد.



قرآن می‌دانست.

بدین ترتیب، این تدبیر حکیمانه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سبب شد که قرآن، نه تنها هیچ‌گاه در قید و بند لهجه‌ها و زبانها و اختلاف فرهنگها و نژادها، سلیقه‌ها و ذوقها، و حتی اجتهادهای اشخاص نماند، بلکه هر یک از این عارضه‌ها - که بر سر راه قرائت قرآن قرار داشت - به خوبی درک و فهم شد و مورد احترام قرار گرفت و از آنها به بهترین وجه برای ترویج قرائت قرآن میان آحاد مردم در کمترین مدت، به بیشترین و دورترین نقاط، استفاده شد. همچنین تأیید و تحسین پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت به قرائتهای مختلف، یکسان و به اندازه مساوی و در سطح عالی بود، به طوری که از به‌وجود آمدن زمینه‌های تبعیض، تحقیر، تفاخر، انحصار و درجه‌بندی میان مسلمانان پیشگیری کرد و هر کس، هرگونه که قرآن را می‌خواند و هر لهجه و زبانی که داشت، قرائت او همسنگ و هم‌ارزش با سایر قرائتها بود و هیچ قرائتی بر قرائت دیگری برتری داده نمی‌شد، و همه قرائتها، برترین و بهترین قرائت محسوب می‌شد!

بدین‌سان، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هرگونه سختگیری و مانعی را از سر راه ترویج و همگانی شدن قرائت قرآن برداشت و مسیر آن را تا آخرین حد ممکن تسهیل نمود و فضایی امن و شرایطی آرام و روان و قابل انعطاف در برابر ویژگیهای مختلف انسانها و مطابق با فطرت و سلاقی و ذوقهای گوناگون آنان در جهت ترویج قرآن به‌وجود آورد؛ زیرا اولاً فرایند یادگیری زبان،

روان‌شناختی است و یادگیری نسبت مستقیمی با آرامش روحی و روانی و شرایط اجتماعی زبان‌آموز دارد.<sup>۲</sup> از این رو، زدوده شدن مسائل

۱- یکی دیگر از آثار و برکات این تدبیر حکیمانه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را می‌توان این‌گونه بیان کرد: هنگامی که انسانها میدان و حوزه قرائت قرآن را بر روی خود باز و وسیع دیدند، به طوری که می‌توانستند بدون هیچ‌گونه نگرانی و دغدغه، هرگونه که می‌خواهند قرآن را قرائت کنند، علاوه بر احترام به قرآن و قرائت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بیش از پیش، یقین پیدا می‌کردند که این قرآن نمی‌تواند ساخته و پرداخته ذهن هیچ یک از انسانها باشد، و حقیقتاً کلام الله است؛ چرا که به هرگونه و به هر وجه و ترتیبی که خواندند، و حتی با استفاده از همان واژگان قرآن و با ترکیب و آمیختن آیات و سوره‌ها به یکدیگر، آیات و سوره‌های جدیدی می‌ساختند، ولی با این حال، همان وجه و ترتیب و ساختار و ترکیب الهی آن را که همواره در اقرار و قرائت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌شنیدند، بهترین، زیباترین، منسجم‌ترین و مستحکم‌ترین شکل و ساختار ممکن می‌دانستند و به آن ایمان مضاعفی پیدا می‌کردند، و بر کوشش خویش در کاربرد، حفظ و گسترش و ترویج آن می‌افزودند. و در واقع عملاً به این دعوت و اعلان عمومی خداوند سبحان یعنی ﴿قُلْ لِّئِنْ أَجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَيَّ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾ (اسراء / ۸۸) پاسخ مثبت می‌دادند.

۲- مهدی مشکوة الدینی، «یادگیری زبان دوم بر پایه

←

اضطراب آور و دلهره‌انگیز و ایجاد شرایط آرام‌بخش و طبیعی، تمرکز فکری را که اساس یادگیری است، فراهم می‌آورد.

ثانیاً از جمله حقوق اولیه و مسلّم هر متعلّم و متربی این است که او را راحت بگذارند و به او اجازه دهند که شخصاً خود را امتحان و آزمایش کند؛ زیرا هر قدر او از آزمون و خطا و فعالیت بیشتری برخوردار باشد، بیشتر به یادگیری خود مطمئن می‌شود، و به معلّم و آنچه یاد گرفته است احترام می‌گذارد، و سعی در کاربرد و گسترش آن دارد.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر، اکثر صحابه و قرآن‌آموزان در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرب‌زبان بودند و لهجه‌های مختلفی داشتند که با توجه به خاص و بی‌نظیر بودن زبان قرآن (عربی مبین) و تفاوت آن با زبان عربی رایج در آن زمان، در واقع، صحابه (قرآن‌آموزان) در حال یادگیری زبان دومی بودند. بنابراین، ریشه و منشأ بسیاری از خطاهای آنها در هنگام قرائت قرآن را می‌توان ناشی از پدیده تداخل زبان عربی با زبان قرآن و فراگرفتن اسلوب و قواعد زبان قرآن دانست.

توضیح اینکه زبان‌شناسان، یادگیری زبان دوم را فرایندی آگاهانه و روان‌شناختی می‌دانند که از برخی جهات با یادگیری زبان اول (زبان مادری) مشابه است و به‌طور کلی از آنجا که یادگیرنده زبان دوم مهارت‌ها و نیز شمّ خاص زبان اول را از پیش داراست، بی‌شک عوامل و تواناییهای یاد شده به صورت «تداخل» یا «انتقال

منفی» و بروز «خطا» و یا به صورت «انتقال مثبت» یا تسهیل در فرایند یادگیری زبان دوم ظاهر می‌شود. بر اساس نظریه‌های نوین زبان‌شناسی و آموزش زبان، فراگیری زبان، الزاماً همراه با خطاست، و همین اشتباهات و خطاها نشانه زبان‌آموزی و پیشرفت در آن است، و امری کاملاً عادی و طبیعی به‌شمار می‌رود و نباید نگران‌کننده و یا بازدارنده انگاشته شود؛ هر چند لازم است از راه قرار دادن یادگیرنده در معرض نمونه‌های زبانی درست و به اندازه کافی و نیز تمرینهای مناسب، روند یادگیری او تسهیل شود.

خطاهای تداخلی عبارت است از خطاهایی که بر اثر به‌کارگیری عناصر زبان اول در زبان دوم، ظاهر می‌گردد. علاوه بر تداخل، تقریباً نیمی از خطاها، نتیجه پیشرفت در یادگیری است که به آن خطاهای پیشرفتی یا درون زبانی گفته می‌شود. این دسته از خطاها مشابه خطاهایی است که در گفتار کودکان به هنگام فراگیری زبان اول نیز مشاهده می‌شود؛ یعنی یادگیرنده زبان دوم نیز همان فرایندهایی را به کار می‌گیرد که در زبان‌آموزی کودک صورت می‌پذیرد. از جمله «تعمیم»، «قاعده‌سازی» و «تعمیم نادرست» در کنش زبانی او مشاهده می‌شود. موارد تعمیم

→ فرضیه قاعده‌سازی زایا و فراگیری مهارت، آموزش زبان، شماره ۱، ص ۱۸.

۱- گزارش نهایی طرح پژوهشی آموزش زبان قرآن، ص ۹۳-۱۰۰.

نادرست نشاندهنده بخشی از خطاهایی است که یادگیرنده زبان دوم در روند یادگیری زبان با آن درگیر است. این گونه خطاها به عنوان بخشی از فرایندهای ساخت‌سازی یا قاعده‌سازی زایا نیز انگاشته می‌شود؛ یعنی از راه انتقال قاعده‌ها از زبان مادری، یادگیرنده کوشش می‌کند به داده‌های زبان دوم معنی ببخشد<sup>۱</sup>؛ چرا که درک دقیق معنی، به ویژه ریزه‌کاریهای مربوط به آن را فقط از لابه‌لای (لایه‌های) زبان می‌توان تشخیص داد<sup>۲</sup>، و از این راه فراگیری زبان دوم را تسهیل می‌کند. به عبارت دیگر، یادگیرنده زبان دوم از راه قرار گرفتن در معرض زبان به صورتی مناسب و تا حدودی مشابه فراگیری زبان اول، در ذهن خود درباره زبان دوم قاعده‌هایی بنا می‌کند که هر چند ممکن است در ابتدا از قاعده‌های واقعی زبان انحراف داشته باشد، ولی به تدریج در روند یادگیری و نیز به کمک آموزش بر پایه قاعده‌سازی زایا و فراگیری مهارتهای زبانی، کوشش می‌کند آنها را با قاعده‌های زبان دوم سازگار سازد، و از این راه توانش زبان دوم را کسب نماید<sup>۳</sup>. بنابراین آنچه مهم است نقش فعال زبان‌آموز در زبان‌آموزی و استفاده از زبان است؛ و این همه به دلیل این است که صرف تقلید موجب زبان‌آموزی نمی‌گردد.

#### ۴- اقرء و قرائت پیوسته آیات

همگام با ابلاغ و نزول تدریجی قرآن، پیامبر اکرم ﷺ از هر فرصتی برای اقرء و قرائت آیات

نازل شده در جهت ابلاغ (اسماع)، آموزش، ترویج و تثبیت آنها استفاده می‌کرد. در اصل، نبوت و رسالت آن حضرت اولاً مشروط به استمرار و مداومت بر قرائت قرآن توسط شخص خودشان بوده است؛ به طوری که حتی ایشان نیز با همه آگاهی و اشراف کاملی که بر جمیع ما نزل الله داشت، بی‌نیاز از قرائت قرآن و اسماع آن به خودشان نبوده است: ﴿يَا أَيُّهَا الْمَرْمِلُ \* قُمْ أَلَيْلَ إِلَّا قَلِيلًا \* نِصْفَهُ أَوْ أَنْقِصْ مِنْهُ قَلِيلًا \* أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَزِيلَ الْقُرْآنِ تَرْبِيلًا﴾<sup>۴</sup>؛ ﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ أَنْ عَبَّدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةَ الَّذِي حَرَمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأَمْرُهُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ \* وَأَنْ تَلُوا الْقُرْآنَ﴾<sup>۵</sup>.

گزارشهای سیره و روایات به خوبی نشان می‌دهند که آن حضرت در همه صحنه‌ها و لحظات زندگی، در شب و روز، در سفر و حضر، سواره یا پیاده، در میدان جنگ و صحنه دفاع و به طور کلی در هر حال، از قرائت قرآن غافل نبود<sup>۶</sup>.

قرائت پیوسته آیات قرآن توسط پیامبر

۱- مهدی مشکوة الدینی، «یادگیری زبان دوم...»؛ و نیز بنگرید به: جگ سی ریچارد، بررسی غیر تطبیقی خطاهای زبان، ترجمه تقی طوسی.

۲- دیوید، دوکمپ، «زبان‌شناسی و آموزش زبانهای بیگانه»، ص ۷۳.

۳- مهدی مشکوة الدینی، «یادگیری زبان دوم...».

۴- مزمل / ۱-۴. ۵- نمل / ۹۱-۹۲.

۶- از جمله بنگرید به: صحیح بخاری، ج ۱۹، ص ۳۷؛ بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۶.

اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سبب می‌شد که بسیاری از افراد در همان لحظات خود به خود به انصاف و استماع آیات قرآن بپردازند و آنها را فراگیرند، یا همراه آن حضرت تکرار کنند؛ چنان که ابن مسعود می‌گوید:

«هنگامی که با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در منی به سر می‌بردیم، سوره «والمرسلات» نازل شد و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بلافاصله به قرائت آن پرداخت و من در حالی که زبان مبارکشان به قرائت آن سوره تروتازه بود، آن سوره را از دهان مبارکشان تلقی کردم و یاد گرفتم»<sup>۱</sup>.

ثانیاً آغاز و انجام نبوت و رسالت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ منوط به اقرار آیات نازل شده بر مردم بوده است: ﴿وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَلْنَاهُ تَنْزِيلًا﴾<sup>۲</sup>.

از این رو، در اوایل دوره رسالت، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جهت ابلاغ و اسماع آیات قرآن، بر فراز مکانی بلند بر دامنه کوه صفا که مشرف بر محل اجتماع مردم مکه و نقطه پر تردد و محل عبور و مرور کاروانها و مسافران و اهالی مکه بود، می‌ایستاد<sup>۳</sup> و با ندای جاویدان «الله اکبر» توجه همگان را جلب کرده، با صدایی رسا و شیوا، شمرده شمرده به قرائت آیات و سوره‌های نازل شده می‌پرداخت و این مکان، میعاد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جهت اقرار و قرائت قرآن بود.

با افزایش سختگیری و ممانعت مشرکان، مسلمانان در نزدیک‌ترین نقطه به این مکان، یعنی در منزل ارقم بن ابی ارقم (م ۵۵ق) گرد هم

می‌آمدند و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جمع آنان به آموزش قرآن می‌پرداخت؛ به طوری که بسیاری از جوانان، مردان و زنان، همچون عمار یاسر، صهیب رومی و مصعب بن عمیر در آنجا به جمع مسلمانان و قرآن‌آموزان پیوستند و از همین‌جا، هسته‌های اولیه تعلیم و تعلم قرآن در مکه به صورت مخفیانه شکل گرفت<sup>۴</sup>.

همچنین پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در نزدیکی کعبه به نماز می‌ایستد و در قالب نماز، آیات و سوره‌های نازل شده را به گوش مردم و تازه‌واردان به مکه می‌رساند، به طوری که افراد زیادی تحت تأثیر استماع آیات قرآن در نماز آن حضرت قرار می‌گرفتند و ایمان می‌آوردند و بعد از خروج از مکه پیام‌آور قرآن و رسالت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ میان قوم و قبیله و منطقه خود می‌شدند؛ چنان‌که طفیل بن عمرو دؤسی (م ۱۱ق) از اشراف قبیله دؤس وارد مکه شد، مشرکان قریش از او و سایر تازه‌واردان خواستند که به سخنان محمد گوش ندهند. او می‌گوید: سپیده‌دم وارد مسجدالحرام شدم، در حالی که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در کنار کعبه به نماز ایستاده بود، نزدیک او شدم و از ترس اینکه مبادا چیزی از کلام او را بشنوم در گوشه‌هایم پنهان گذاشته بودم، ولی با این حال، خدا خواست که

۱- صحیح بخاری، ج ۱۸، ص ۱۷۶ و ۱۷۸.

۲- اسراء / ۱۰۶.

۳- بنگرید به: بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۰۴، ۲۴۱ و ۲۴۳.

۴- بنگرید به: السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۷۱، و پاورقی ص ۲۹۳.

قسمتی از کلام او را بشنوم، آن را کلامی نغز و دلپسند یافتم. با خود گفتم: من فردی ادیب و سخن‌شناس هستم، چه مانعی دارد که من کلام این مرد را کامل بشنوم! اگر درست و زیبا بود قبول می‌کنم و اگر زشت و ناروا بود نمی‌پذیرم. لحظاتی صبر کردم تا محمد به سوی منزلش روان شد. خود را به او رساندم و خواستم که امرش را بر من نیز عرضه بدارد. امرش را با سلام بر من آغاز کرد، آن‌گاه سوره‌های ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾، ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ را بر من تلاوت کرد. و الله! هرگز، تا آن زمان سخن و کلامی را زیباتر و امری را استوارتر از قرآن نشنیده و نیافته بودم. پس، اسلام آوردم و شهادت و گواهی به حقانیت آن دادم. پس از آن همواره اسلام را در میان قبیله‌ام تبلیغ کردم و به تدریج افراد بسیاری از قبیله‌ام مسلمان شدند.<sup>۱</sup>

به طور کلی، پیامبر اکرم ﷺ آن قدر بر اقرار و قرائت پیوسته آیات و سوره‌های قرآن اهتمام می‌ورزید که گویی آن حضرت همواره در حال اقرار و آموزش قرآن بر فرد یا جمعی از مسلمانان بود؛ چنان که حضرت علیؓ می‌فرماید: «کان رسول الله ﷺ یقرئنا القرآن علی کلِّ حالٍ»<sup>۲</sup>.

هر یک از قرآن‌آموزان نیز هر چند آیه یا سوره‌ای که فرا می‌گرفت، معلّم همان آیات و سوره‌ها می‌شد و آن را به دیگری ابلاغ و اقرار می‌کرد، به طوری که هر مسلمانی هم‌زمان هم معلّم قرآن بود و هم متعلّم آن و این بزرگ‌ترین معیار فضیلت هر مسلمانی نزد خدا و رسول او

محسوب می‌شد: «خیرکم من تعلّم القرآن و علّمه»<sup>۳</sup> یا فرموده‌اند: «خیرکم من قرأ القرآن و اقرأه»<sup>۴</sup>.

زیاد بن لبید می‌گوید: «ما قرآن را فرا می‌گیریم و می‌خوانیم و آن را به زنان و فرزندان خویش اقرار می‌کنیم و به همین ترتیب، فرزندان ما آن را به فرزندان خود اقرار می‌کنند»<sup>۵</sup>.

یکی از اولین نهادهای آموزشی، اجتماعی و عبادی که پیامبر اکرم ﷺ در بدو ورود به مدینه در جهت تقویت بنیانهای نظام نوپای اسلامی طرح‌ریزی کرد و به مرحله اجرا درآورد، ساخت و بنای مسجد بود<sup>۶</sup>؛ مسجد که مرکز اجتماع، شوراء، تعاون، برنامه‌ریزی و راه‌اندازی امور مسلمانان بر مبنای تعلیم قرآن است<sup>۷</sup>، به کانون مهم و اصلی تعلیم و تعلّم قرآن و ترویج و تثبیت آن در مدینه نیز تبدیل شد. با اقامه نمازهای

- ۱- السیرة الحلییه، ج ۱، ص ۳۶۴؛ ابن هشام، السیرة النبویه، ج ۲، ص ۳۴-۳۶.
- ۲- سنن ترمذی، ج ۱، ص ۹۸؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۵۱ و ص ۲۵۶.
- ۳- صحیح بخاری، ج ۱۹، ص ۳۲؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۵.
- ۴- کنز العمال، ج ۱، ص ۵۲۵، ح ۲۳۵۴.
- ۵- سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۴۴؛ سنن ترمذی، ج ۴، ص ۱۳۹.
- ۶- بنگرید به: ابن هشام، السیرة النبویه، ج ۲، ص ۱۳۸؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۸۲.
- ۷- بنگرید به: کلینی، فروع کافی، ج ۳، ص ۳۶۹.

جماعت، جمعه و عیدین، اکثر مسلمانان، دست کم در طول هر شبانه‌روز، پنج نوبت در مسجد گرد می‌آمدند و آیات و سوره‌های فراوانی را استماع و قرائت می‌کردند؛ و بعد از اقامه نماز یا در فرصتهای دیگر، به گروههای کوچک‌تر تقسیم می‌شدند و به صورت حلقه‌ای می‌نشستند و به آموزش و یادگیری، و مقارنه و مدارسه قرآن مشغول می‌شدند؛ چنان که انس بن مالک می‌گوید:

«أَمَا كَانُوا إِذَا صَلَّوْا الْغَدَاةَ قَعَدُوا حَلَقًا حَلَقًا يَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ»<sup>۱</sup>.

عقبه بن عامر نیز می‌گوید:

«نحن في المسجد نندرس القرآن»<sup>۲</sup>.

عباده بن صامت می‌گوید:

«كُنَّا فِي الْمَسْجِدِ نَتَقَرَّأُ، يَقْرَأُ بَعْضُنَا عَلَيَّ بَعْضٌ»<sup>۳</sup>.

جابر بن عبدالله انصاری نیز می‌گوید:

«خرج علينا رسول الله ﷺ ونحن نقرأ القرآن و فينا الأعجمي و الأعرابي، فاستمع، فقال ﷺ: اقرؤا فكلُّ حسن»<sup>۴</sup>.

مشغول قرائت قرآن بودیم - در حالی که در جمع ما عرب و غیر عرب در کنار هم قرار داشتند - که رسول خدا ﷺ بر ما وارد شد و به قرائت ما گوش داد؛ سپس فرمود: به قرائت خود ادامه دهید که قرائت همه شما، نیک و قابل ستایش است.

بارها اتفاق می‌افتاد که به علت حضور بسیار قرآن‌آموزان در مسجد و اقراء و قرائت فراوان

آیات قرآن، صدای قرائت قرآن اوج می‌گرفت. پیامبر اکرم ﷺ با دیدن این وضعیت خواستار پایین آوردن صداها می‌شد تا موجب مهمه و آزار به یکدیگر نشوند؛ «أَلَا إِنَّ كَلِمَةَ مَنْجِ رَبِّهِ، فَلَا يُؤْذِينَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَلَا يَرْفَعُ بَعْضُكُمْ عَلَيَّ بَعْضٌ فِي الْقِرَاءَةِ»<sup>۵</sup>.

ابو سعید خدری می‌گوید:

«كان اصحاب رسول الله ﷺ إذا اجتمعوا تذكروا العلم و قرأوا سورة»<sup>۶</sup>؛ یا «كان أصحاب رسول الله ﷺ إذا قعدوا يتحدثون و كان حديثهم الفقه الا أن يأمرؤا رجلاً فيقرأ عليهم سورة أو يقرأ رجل سورة من القرآن»<sup>۷</sup>؛ یعنی صحابه (قرآن‌آموزان) در هر فرصتی که در کنار هم قرار می‌گرفتند، به قرائت و مقارنه سوره‌های قرآن می‌پرداختند و قرائت آیات قرآن محور عمده فعالیت‌های آنان بود. به نظر می‌رسد مراد از «مذاکره علم»، همان یادآوری آیات و سوره‌های قبلی است یا یادآوری مسائل و مباحثی است که در ارتباط با شناخت قرآن و سوره‌ها به کار می‌رفته است؛ مانند شناخت وقوف، تعداد

۱- کثانی، نظام الحکومة النبویه، ج ۲، ص ۲۱۷.

۲- سخاوی، جمال القراء و کمال الاقراء، ج ۱، ص ۲۷۰.

۳- عبدالرحمان بن عبدالحکم، فتوح مصر و اخبارها، ص ۲۷۲.

۴- سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۲۰.

۵- همان، ج ۲، ص ۳۸.

۶- کثانی، نظام الحکومة النبویه، ج ۲، ص ۲۷۸.

۷- همان، ج ۲، ص ۲۲۳.

آیات، چگونگی املائی کلمات قرآن. اما منظور از «فقه»، یا معنای لغوی آن است؛ یعنی صحابه سوره‌ای از قرآن را قرائت می‌کردند و فهمها و برداشتهای خود را به بحث می‌گذاشتند<sup>۱</sup>. یا اینکه منظور از فقه همان احکام عملی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنها را به همراه اقرء و قرائت قرآن به قرآن‌آموزان آموزش می‌داد، چنان که آن حضرت بعد از ورود به مدینه، با اقرء و قرائت آیات ۱۴ و ۱۵ سوره اعلی - یعنی ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى﴾ \* وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى﴾ - که در مکه نازل شده بودند، زکات فطره، تهلیلات و نماز عید فطر را آموزش می‌داد<sup>۲</sup>.

بدین‌سان آیات قرآن، آن‌قدر بر سر زبانها رواج یافته بود که بسیاری در خارج از مکه و مدینه و با شنیدن آن از زبان رهگذران و کاروانیان دل‌سپرده آن شده و مقداری از قرآن را فرا گرفته بودند؛ چنان که عمرو بن سلمه جزمی می‌گوید: «در سنین کودکی، در منطقه‌ای زندگی می‌کردیم که به علت داشتن آب، محل عبور و مرور کاروانیان و رهگذران بود، و من هر آنچه از قرآن از زبان آنان می‌شنیدم، حفظ می‌شدم به گونه‌ای که احساس می‌کردم آیات قرآن در درون سینه‌ام (قلبم) حک می‌شود و به آن می‌چسبم و همراه و ملازم آن می‌گردد. به مرور زمان بعد از مدتی بسیاری از آیات و سوره‌های قرآن را بدین‌سان فرا گرفتم و آنها را در سینه خود جمع کردم، تا اینکه بعد از فتح مکه، گروهی از قبیله ما نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتند، و در آنجا قرآن و نماز

و اذان و مانند آن را فرا گرفتند؛ پس از برگشت و با اقامه نماز، مرا که از همه آنان قرآن‌خوان‌تر و قرآن‌دان‌تر بودم، به امامت جماعت برگزیدند، چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آنان فرموده بود: «لِيُؤمَّكُمْ أَكْثَرُكُمْ قرآنًا»؛ امامت جماعت را کسی برعهده گیرد که از همه شما قرآن‌خوان‌تر و قرآن‌دان‌تر است<sup>۳</sup>.

به طور کلی، از یک سو، ابلاغ تدریجی آیات و سوره‌های قرآن در موقعیتهای گوناگون و تنوع آن از لحاظ کمیّت و موضوع و هماهنگی و انسجام، و ارتباط و تناسب درونی آیات قرآن با یکدیگر و با نیازهای قرآن‌آموزان و از سوی دیگر، اقرء و قرائت پیوسته و مکرر آیات قرآن در منظر مردم و اهتمام و تدابیر حکیمانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جهت ایجاد نظام و محیط آموزشی آسان و روان بر اساس اصل همکاری و همیاری، سبب می‌شد که افراد بیشتری در زمانهای متناوب در معرض شنیدن آیات قرآن قرار گیرند و هر قرآن‌آموزی با مجهز شدن به شناخت و انگیزه‌های لازم و به فراخور خویش در حال یادگیری و تکرار قرائت قرآن و کاربرد آن در صحنه‌های مختلف زندگی و تعلیم و اقرء آن به دیگران باشد.

۱ - همان.

۲ - بنگرید به: لسانی فشارکی، «اعلی»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۹.

۳ - ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۳۳۶-۳۳۷.

به بیانی دیگر، نزول تدریجی و ارتباط گسترده و عمیق تعالیم قرآن با زندگی فردی و اجتماعی قرآن‌آموزان و حضور فعال و خلاق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در متن زندگی قرآن‌آموزان (مردم) و همیاری و همراهی با آنان در حل مشکلات و مسائل مختلف زندگی بر اساس آموزه‌های قرآن، آنچنان قرآن‌آموزان را فعالانه با آیات نازل شده و موقعیتهای یادگیری درگیر و روبه‌رو می‌نمود که می‌توان گفت هر مسلمانی به‌طور فعال در صحنه یادگیری و ترویج قرآن شرکت داشت.

بر همین اساس، می‌توان گفت یک وجه تأکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر حضور مسلمانان در نماز جماعت، پیمان برادری، و بسط روحیه شورا و تعاون، در جهت افزایش سطح ارتباطات قرآن‌آموزان با معلمان و با یکدیگر و بالا بردن میزان مشارکت آنان در جهت ترویج و تثبیت قرآن بوده است.

اقراء و قرائت پیوسته پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنان حکیمانه صورت می‌پذیرفت که نه تنها در آن هیچ شائبه تحمیل و اجبار دیده نمی‌شد، بلکه همواره انگیزه قرآن‌آموزان و نو مسلمانان را بر فراگیری هر چه بیشتر قرآن و قرائت و اقراء مداوم آن می‌افزود و آن‌گونه نبود که موجب یکنواختی و معمولی جلوه‌گر شدن قرآن برای قرآن‌آموزان و در نهایت مایه دلزدگی آنان گردد، بلکه همواره عملاً مواظب حفظ عظمت، عزت، کرامت، حکمت و مجد قرآن و ابلاغ مبین آن و

رسول الله بودن خودشان بودند<sup>۱</sup>.

بدین‌سان، با اهتمام و تدابیر حکیمانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و شرکت فعالانه همه قرآن‌آموزان در امر تعلیم و تعلم، آنچنان فضا و محیط قرآنی فراهم آمد که آوای قرآن از سوی هر مسلمانی و از هر مکانی و در هر زمانی، از منازل<sup>۲</sup>، مساجد، در نمازهای جماعت، جمعه<sup>۳</sup> و نافله‌ها، در خطبه‌ها، در سفر و حضر، در دل شب<sup>۴</sup>، در میدان

۱- مبانی سیره تبلیغی خاتم پیامبران را به عنوان اسوه حسنه می‌توان با سیره تبلیغی حضرت نوح علیه السلام در سوره‌های «نوح» و «جن» مطالعه و تحقیق نمود.  
۲- چنان که روایت شده است که روزی پیامبر در انتظار آمدن عایشه بود. هنگامی که به خانه رسید، پیامبر علت تأخیر او را جویا شد، عایشه گفت: قرآن خواندن مردی را گوش می‌دادم که آوایی خوش‌تر از آن را نشنیده‌ام. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخاست و دیری آن را استماع فرمود. در برگشت فرمود: این صدای سالم، بنده آزاد شده ابو حذیفه است (محمود رامیار، تاریخ قرآن، ص ۲۳۳).

۳- چنان که جابر بن سمره می‌گوید: «كانت للنبي صلی الله علیه و آله خطبتان يجلس بينهما، يقرأ القرآن و يذكر الناس» (صحیح مسلم، ج ۲، ص ۵۸۹)؛ یا «كانت صلاة رسول الله صلی الله علیه و آله قسداً و خطبته قسداً، يقرأ آيات من القرآن و يذكر الناس» (سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۸۸).

۴- چنان که خداوند سبحان این مسئله را در آیه دوم سوره مزمل این‌گونه گزارش می‌کند: ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَ نِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ وَ طَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَ اللَّهُ يُعَدِّدُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ عَلِيمٌ أُنْ لَّنْ تَخْصُوهُ فُتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾.



جنگ و صحنه دفاع<sup>۱</sup> در گفت‌وگوهای روزمره، در جلسات، اجتماعات و مدارسها بلند بود و به گوش می‌رسید، به طوری که ذکر و زمزمه اصلی زبان مردم، آیات و سوره‌های قرآن بود. بنابراین، روایاتی نظیر: «معه [رسول الله ﷺ] قوم صدورهم أناجیلهم»<sup>۲</sup> و «فیقرؤوه [القرآن] قیاماً و قعوداً و مشاةً و علی کلّ الاحوال یسهل الله عزّوجلّ حفظه علیهم» را می‌توان مؤید و توصیف‌کننده این نظام و محیط آموزشی دانست که در نتیجه اجرای این نظام آموزشی آسان و روان، آیات و سوره قرآن، ذکر و زمزمه دائمی زبان مسلمانان می‌گردد و در قلب آنان جای می‌گیرد و تبیین و هدایت خود را از این طریق انجام می‌دهند.

در این محیط آموزشی، بسیاری در روندی طبیعی و تدریجی خودبه‌خود آیات و سوره‌های قرآن را یاد می‌گیرند و حامل آن می‌شوند؛ چنان که امّ هشام، دختر حارثه بن نعمان می‌گوید:

«از آنجا که رسول خدا ﷺ معمولاً در نماز صبح و خطبه‌های نماز جمعه سوره ﴿ق﴾ \* و الْقُرْآنِ الْمَجِیدِ را قرائت می‌کرد، من این سوره را از زبان پیامبر اکرم ﷺ فرا گرفتم و حفظ شدم»<sup>۳</sup>.

بنابراین، می‌توان گفت ما با دو شیوه قرآن‌آموزی مداوم روبه‌رو هستیم: ۱- قرآن‌آموزی طبیعی؛ ۲- قرآن‌آموزی هدایت شده.

قرآن‌آموزی طبیعی؛ یعنی اینکه قرآن‌آموز بدون هیچ‌گونه آموزش عمدی و مستقیم، قرآن

را به‌طور طبیعی و از راه ارتباط‌های عادی و اجتماعی فرا می‌گیرد، به این ترتیب که قرآن‌آموز در یک جامعه و محیط قرآنی به سر می‌برد که اعضای این جامعه در اکثر اوقات مشغول به آقراء و قرائت قرآن و کاربرد آن در صحنه‌های مختلف زندگی هستند. بدین‌سان قرآن‌آموز به تدریج به علت قرار گرفتن در معرض داده‌های زبان قرآن که همواره در منظر و مسمع اوست، قرآن را یاد می‌گیرد و بر قرائت و کاربرد آن توانا می‌شود.

قرآن‌آموزی هدایت شده؛ یعنی فرا گرفتن قرآن از طریق آموزش منظم و هدایت شده؛ به

۱- چنان که پیامبر اکرم ﷺ در میدان جنگ آیات قرآن را در برابر مشرکان با صدای بلند می‌خواند (رامیار، تاریخ قرآن، ص ۲۲۴) و هنگام فرستادن سربازان به سربیه‌ها در جهت دفاع می‌فرمود: «سیروا بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله، لا تغلّوا و لا تمثلوا و لا تغدروا شیخاً فانیاً و لا صبیاً و لا امرأة و لا تقطعوا شجراً إلا أن تضطرّوا إليها و ایما رجل من أدنی المسلمین أو أفضلهم نظر إلى رجل من المشرکین فهو جائز حتى یسمع کلام الله فإن تبعکم فأخوکم فی الدین و إن أبی فأبلغوه مأمنه و استعینوا بالله علیه»، (کلینی، فروع کافی، ج ۵، ص ۲۷).

۲- ابن اثیر در توضیح این حدیث آورده است: «یرید أنّهم یقرؤون کتاب الله عن ظهر قلبهم و یجمعونه فی صدورهم حفظاً»؛ النهایة فی غریب الحدیث و الآثار، ج ۵، ص ۲۳.

۳- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۵۹۵؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۸۸؛ سنن نسائی، ج ۲، ص ۱۵۷؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۲۸۴.

این ترتیب که معلّم، آموزش قرآن را با «حزب مُفَصَّل»<sup>۱</sup> و از سوره ناس آغاز می‌کند، و قرآن‌آموز به تدریج این سوره‌ها را یکی پس از دیگری فرا می‌گیرد و با مقارنه و مدارس و عرضه قرائت خود به معلّم، آموخته‌های خود را تثبیت می‌کند. ابن عباس می‌گوید: «در هنگام رحلت پیامبر اکرم ده ساله بودم و حزب مفصل را کاملاً فرا گرفته بودم»<sup>۲</sup>.

با این حال، در هر دو مورد، فرایند یادگیری کم و بیش یکسان است، تنها ممکن است از نظر سرعت یادگیری و فراگیری برخی مهارتها متفاوت بوده باشند.

### منابع و مآخذ

\* قرآن کریم

- ۱- آ. هال، رابرت؛ زبان و زبان‌شناسی، ترجمه محمد رضا باطنی، چاپ دوم: تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ش.
- ۲- ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحديث والآثار، به کوشش الطناحی، چاپ چهارم: قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.
- ۳- ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بیروت، دار صادر، ۱۴۰۵ق.
- ۴- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، تأویل مشکل القرآن، چاپ سوم: مکتبة العلمیه، ۱۴۰۱ق.
- ۵- ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن، به کوشش محمد عبدالقواد عبدالباقی، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۲ق.

۶- ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، چاپ پنجم: بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۶ق.

۷- ابو الشیخ اصبهانی، عبدالله بن محمد، اخلاق النبی و آداب، به کوشش مصطفی بن العدوی و ازهری، منصوره، دار ابن رجب، ۲۰۰۴م.

۸- ابو داود، سلیمان بن اشعث، سنن، به کوشش محمد محیی الدین عبدالحمید، دار احیاء السنة النبویه.

۹- احمد بن حنبل، مسند، بیروت، دارالجیل.

۱۰- بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح، بشرح الکرمانی، چاپ دوم: بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۱ق.

۱۱- پاسل، وان و دی گریر، ام. «جایگاه زبان گفتاری و زبان نوشتاری در آموزش زبان»، (نه مقاله)، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، خرداد ۱۳۶۴.

۱۲- ترمذی، محمد بن عیسی، سنن (الجامع الصحیح)، به کوشش عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۰ق.

۱۳- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، حلب، مکتب المطبوعات الاسلامیه.

۱۴- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی

۱- مطابق تعلیم پیامبر اکرم ﷺ قرآن به هفت حزب تقریباً مساوی تقسیم می‌شود که حزب هفتم شامل ۶۵ سوره از «ق» تا «ناس» به حزب مفصل نامگذاری شده است. بنگرید به: ابو داود، سنن، ج ۲، ص ۵۵؛ شببانی، نهج البیان...، ج ۱، ص ۲۳.

۲- احمد بن حنبل، مسند، ج ۴، ص ۷۷ و ۲۰۶؛ صحیح بخاری، ج ۱۹، ص ۳۷.

- تحصیل مسائل الشریعة، به کوشش عبدالرحیم ربّانی شیرازی، چاپ پنجم: بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- ۱۵- حلبی، علی بن برهان، السیرة الحلبیة (انسان العیون فی سیرة الامین المأمون)، بیروت، المكتبة الاسلامیة.
- ۱۶- خوش منش، ابوالفضل، تحقیقی در ابعاد مسأله حمل قرآن کریم، پایان نامه فوق لیسانس علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۷۸ش.
- ۱۷- دوکمپ، دیوید. «زبان شناسی و آموزش زبانهای بیگانه»، در قلمرو زبان فارسی و آموزش زبانهای بیگانه (هفت مقاله)، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، بهمن ۱۳۶۴.
- ۱۸- رامیار، محمود، تاریخ قرآن، چاپ دوم: تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲ش.
- ۱۹- سخاوی، علی بن محمد، جمال القراء و کمال الإقراء، به کوشش عبدالکریم الزبیدی، بیروت، دارالبلاغه، ۱۴۱۳ق.
- ۲۰- شیبانی، محمد بن حسن، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، به کوشش حسین درگاهی، تهران، بنیاد دائرةالمعارف جهان اسلام، ۱۴۱۳ق.
- ۲۱- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
- ۲۲- عبدالرحمان بن عبدالحکم، فتوح مصر و اخبارها، قاهره، مكتبة مدبولی، ۱۴۱۱ق.
- ۲۳- قرطبی، محمد بن احمد، التذکار فی افضل الاذکار، چاپ سوم: بیروت، دارالکتب العلمیة، ۴۰۸ق.
- ۲۴- کذّانی، عبدالحی، نظام الحكومة النبویة (التراتب الاداریة)، بیروت، دارالکتب العربی.
- ۲۵- کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۱ق.
- ۲۶- \_\_\_\_\_، الاصول من الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۱ق.
- ۲۷- لسانی فشارکی، محمد علی؛ «اعلی»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹.
- ۲۸- لسانی فشارکی، محمد علی و دیگران، گزارش نهایی طرح پژوهشی آموزش زبان قرآن، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، تهران، خرداد ۱۳۷۹، (پلی کی).
- ۲۹- متقی هندی، علی بن حسان، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۳۹۹ق.
- ۳۰- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، چاپ دوم: بیروت، مؤسسة الوفاء.
- ۳۱- مسلم بن حجاج، صحیح، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۴ق.
- ۳۲- مشکوة الدینی، مهدی، «یادگیری زبان دوم بر پایه فرضیه سازی زایا و فراگیری مهارت»، آموزش زبان، شماره ۱.
- ۳۳- مه کی، ویلیان فرانسیس، «روش چیست و انواع آن کدام است»، (نه مقاله) مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، خرداد ۱۳۶۴.
- ۳۴- نَسائی، احمد بن شعیب، سنن، بیروت، دارالفکر، ۱۳۴۸ق.
- ۳۵- نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ۴۰۷ق.
- ۳۶- هایمن، لاری ام، نظام آوایی زبان، نظریه و تحلیل، ترجمه یدالله ثمره، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۶۸ش.